

تأسیس و جانشینی دولتها

تألیف:

دکتر ستار عزیزی

عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا

سرشناسه	عزیزی، ستار، ۱۳۵۶-
عنوان و نام پدیدآور	تأسیس و جانشینی دولت‌ها/تالیف ستار عزیزی.
مشخصات نشر	همدان: دانشگاه بوعلی سینا، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	۵۱۸ ص: جدول
شابک	۱۷۰۰۰۰۰ ریال، ۱-۳۴۵-۱۲۸-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. [۳۷۷]-۳۸۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	نمابه
موضوع	جانشینی دولت‌ها
موضوع	State succession
شناسه افزوده	دانشگاه بوعلی سینا
رده‌بندی کنگره	KZ۴۰۲۴
رده‌بندی دیویی	۳۴۱/۲۶
شماره کتابشناسی ملی	۸۵۳۸۰۹۷
اطلاعات رکورشناسی	فیا



عنوان: تأسیس و جانشینی دولت‌ها
مؤلف: دکتر ستار عزیزی
طراح جلد و صفحه‌آرا: مهندس فاطمه حاجی
ناشر: مرکز نشر دانشگاه بوعلی سینا
مدیر مرکز نشر: دکتر محمدجواد بدالهی فر
چاپخانه: روشن
صفحه و قطع: ۵۱۸ و وزیری
نوبت چاپ: اول
تیراژ: ۱۰۰۰
قیمت: ۱۷۰۰۰۰۰ ریال
تاریخ انتشار: ۱۴۰۰
شماره کتاب: ۴۹۳ الف
شابک: ۱-۳۴۵-۱۲۸-۶۰۰-۹۷۸

کلیه حقوق برای مرکز نشر دانشگاه بوعلی سینا محفوظ است

مراکز فروش در همدان: ۱. دانشگاه بوعلی سینا، مرکز نشر دانشگاه، تلفن: ۸۱۱۰۸۲۹۱۲۷۶

۲. خیابان شهید حسین فهمیده، رویروی پارک مردم، فروشگاه مرکز نشر

۳. خیابان مهدیه رویروی خانه معلم- انتشارات دانشجو

نماینده‌گی فروش در تهران: ۱. موسسه کتابیران، میدان انقلاب، خیابان لیافی‌نژاد غربی (بعد از چهار راه کارگر جنوبی بعد از فروشگاه شیراز،

پلاک ۳۳۷ تلفن: ۶۶۴۲۳۴۱۶-۶۶۴۲۳۴۸۷

۲. نوپردازان، میدان انقلاب، خیابان لیافی‌نژاد، بین ۱۲ فروردین و اردیبهشت، پلاک ۲۰۶ تلفن: ۶۶۴۹۴۴۰۹-۶۶۴۱۱۱۷۳

بخش نخست: تأسیس دولت‌ها

فصل اول: مفهوم دولت و عناصر تشکیل دهنده آن

گفتار اول: مفهوم، کارکرد و آثار دولت بودن.....	۳
بند اول: مفهوم دولت.....	۳
بند دوم: کارکرد دولت.....	۷
بند سوم: آثار دولت بودن.....	۹
گفتار دوم: عناصر تشکیل دهنده‌ی دولت.....	۱۴
بند اول: عنصر اجتماعی.....	۱۶
بند دوم: عنصر سرزمینی.....	۱۸
بند سوم: عنصر حقوقی.....	۲۰
بند چهارم: اهلیت ورود به روابط بین‌المللی.....	۲۲

فصل دوم: فرایند تاریخی تأسیس دولت‌ها

پیش‌درآمد فصل: نگاهی اجمالی به تأسیس دولت‌ها تاکنون.....	۲۵
گفتار اول: پیمان صلح وستفالی (۱۶۴۸) تا سال ۱۸۰۰.....	۲۹
بند اول: تأثیر پیدایش مذهب پروتستان در تشکیل دولت-ملت در اروپا.....	۳۰
بند دوم: طغیان علیه حاکمیت پاپ در اروپای قاره‌ای و آغاز جنگ‌های مذهبی.....	۳۵
بند سوم: نتایج معاهدات صلح وستفالی.....	۳۸
جمع‌بندی گفتار اول.....	۴۰
گفتار دوم: تأسیس دولت‌ها در فاصله میان سال‌های ۱۸۰۰ تا جنگ جهانی اول.....	۴۲
بند اول: جدایی دولت‌ها از امپراتوری عثمانی.....	۴۲
بند دوم: امپراتوری اتریش-مجارستان.....	۴۵
بند سوم: نتایج کنگره‌ی وین ۱۸۱۵ بر تشکیل دولت‌های جدید.....	۴۹
بند چهارم: تأسیس دولت‌های آلمان و ایتالیا.....	۵۴
بند پنجم: آثار کشف قاره‌ی آمریکا در تشکیل کشورهای نوپا.....	۶۳
۱. تشکیل دولت ایالات متحده آمریکا.....	۶۴
۲. استقلال سرزمین‌های تحت استعمار اسپانیا در آمریکای لاتین.....	۷۰
۳. جدایی برزیل از پرتغال.....	۷۶

۷۸	۴. تشکیل دولت‌های جدید در آمریکای مرکزی
۷۹	۵. تشکیل دولت کانادا
۸۱	جمع‌بندی گفتار دوم
۸۳	گفتار سوم: تأسیس دولت‌ها در فاصله‌ی بین دو جنگ جهانی اول و دوم
۸۵	بند اول: فروپاشی امپراتوری اتریش-مجارستان و تشکیل دولت‌های جدید
۸۷	۱. تشکیل دولت لهستان
۸۹	۲. تشکیل دولت چکسلواکی
۹۱	۳. تشکیل پادشاهی یوگسلاوی
۹۲	بند دوم: فروپاشی روسیه‌ی تزاری و تشکیل دولت‌های جدید
۹۶	بند سوم: فروپاشی امپراتوری عثمانی و تشکیل دولت‌های جدید در آسیا
۱۰۱	بند چهارم: تغییرات سرزمینی در سایر کشورهای شکست‌خورده جنگ
۱۰۱	۱. تغییرات سرزمینی ناشی از پیمان صلح ورسای
۱۰۳	۲. تغییرات سرزمینی ناشی از پیمان صلح نویی
۱۰۴	بند پنجم: تأسیس دولت‌های خودخوانده در شرق آسیا و اروپا
۱۱۰	بند ششم: دولت‌های عضو جامعه ملل
۱۱۱	جمع‌بندی گفتار سوم
۱۱۳	گفتار چهارم: تأسیس دولت‌ها پس از تشکیل سازمان ملل متحد تاکنون
۱۱۴	بند اول: کشورهای واقع در قاره‌ی آفریقا
۱۱۸	بند دوم: کشورهای واقع در قاره‌ی آمریکا
۱۱۹	بند سوم: کشورهای واقع در قاره‌ی آسیا
۱۲۰	۱. کشورهای واقع در غرب آسیا
۱۲۱	۲. کشورهای واقع در آسیای مرکزی
۱۲۲	۳. کشورهای واقع در جنوب آسیا
۱۲۲	۴. کشورهای واقع در شرق آسیا
۱۲۶	۵. کشورهای واقع در آسیای جنوب شرقی
۱۲۸	بند چهارم: کشورهای واقع در قاره‌ی اقیانوسیه
۱۳۰	بند پنجم: کشورهای واقع در قاره‌ی اروپا
۱۳۲	جمع‌بندی گفتار چهارم

فصل سوم: سرزمین‌های غیر خودمختار

۱۳۷	بند اول: سرزمین‌های غیر خودمختار تحت اداره‌ی بریتانیا
-----	---

بند دوم: سرزمین‌های غیر خودمختار تحت اداره‌ی ایالات متحده آمریکا.....	۱۳۹
بند سوم: سرزمین‌های غیر خودمختار تحت اداره‌ی فرانسه.....	۱۴۰
بند چهارم: سرزمین‌های غیر خودمختار تحت اداره نیوزیلند.....	۱۴۰
بند پنجم: سرزمین صحرای غربی.....	۱۴۱

فصل چهارم: سرزمین‌های ماورای بحار

بند اول: سرزمین‌های ماورای بحار فرانسه.....	۱۴۷
بند دوم: سرزمین‌های ماورای بحار بریتانیا.....	۱۵۰
بند سوم: سرزمین‌های ماورای بحار هلند.....	۱۵۰
بند چهارم: سرزمین‌های ماورای بحار ایالات متحده آمریکا.....	۱۵۱
بند پنجم: سرزمین‌های ماورای بحار چین.....	۱۵۲
بند ششم: سرزمین‌های ماورای بحار دانمارک.....	۱۵۳
بند هفتم: سرزمین‌های ماورای بحار نیوزیلند.....	۱۵۵

فصل پنجم: دولت‌های خودخوانده

۱. تایوان.....	۱۶۱
۲. جمهوری ترک قبرس شمالی.....	۱۶۵
۳. جمهوری ترانس نیستریا.....	۱۷۳
۴. جمهوری آرتساخ.....	۱۷۷
۵. جمهوری آبخازیا.....	۱۸۰
۶. جمهوری اوستیای جنوبی.....	۱۸۳
۷. دولت خودخوانده‌ی سومالی‌لند.....	۱۹۰
جمع بندی.....	۱۹۵

فصل ششم: معیارهای تأسیس و شناسایی دولت‌ها

بند اول: رویه‌ی دولت‌ها قبل از تدوین منشور ملل متحد.....	۲۰۱
۱. تأسیس دولت‌ها بر اساس تصمیم ضمنی یا صریح قدرت‌های بزرگ.....	۲۰۱
۲. شناسایی دولت‌ها بر اساس معیار کنترل مؤثر.....	۲۰۳
بند دوم: رویه‌ی دولت‌ها پس از تشکیل سازمان ملل متحد.....	۲۱۰
۱. رویه‌ی دولت‌ها در شناسایی دولت‌های جدید در دوران جنگ سرد.....	۲۱۰
۱-۱. شناسایی دولت‌های ناشی از استعمارزدایی.....	۲۱۰
۱-۲. شناسایی دولت‌های جدایی طلب.....	۲۱۵
۲. رویه‌ی دولت‌ها در شناسایی دولت‌های تازه استقلال یافته پس از جنگ سرد.....	۲۱۹

بخش دوم: جانشینی دولت‌ها

فصل اول: مفهوم و اشکال جانشینی

- گفتار اول: مفهوم جانشینی ۲۳۹
- گفتار دوم: اشکال جانشینی ۲۴۰
- بند اول: انتقال بخشی از سرزمین از دولتی به دولت دیگر ۲۴۱
- بند دوم: اتحاد دولت‌ها ۲۴۳
- بند سوم: تجزیه و فروپاشی دولت‌ها ۲۴۹
- بند چهارم: جدایی بخشی از سرزمین یک دولت و تاسیس دولت جدید ۲۵۱

فصل دوم: آثار حقوقی جانشینی دولت‌ها

- گفتار اول: آثار جانشینی بر معاهدات بین‌المللی ۲۵۸
- بند اول: انتقال معاهدات ۲۶۰
۱. معاهدات سرزمینی ۲۶۱
 ۲. اتحاد دولت‌ها ۲۶۳
 ۳. جدایی و فروپاشی دولت‌ها ۲۶۵
 ۴. موافقت‌نامه‌ی انتقال حقوق و تعهدات میان دولت پیشین و دولت جانشین ۲۶۹
 ۵. صدور اعلامیه‌ی جانشینی حقوق و تعهدات قراردادی توسط دولت جانشین ۲۷۰
 ۶. معاهدات پیش‌بینی‌کننده‌ی مشارکت دولت جانشین ۲۷۲
 ۷. وضعیت سایر تعهدات معاهده‌ای ۲۷۳
- ۷-۱. تعهدات معاهده‌ای بیانگر قواعد عرفی موجود ۲۷۳
- ۷-۲. تعهدات معاهده‌ای بیانگر قواعد آمره ۲۷۳
- ۷-۳. تعهدات معاهده‌ای که به قواعد عرفی تبدیل شده‌اند ۲۷۳
- ۷-۴. معاهدات عام حقوق بشری و حقوق بشردوستانه ۲۷۴
- بند دوم: عدم انتقال معاهدات ۲۷۶
۱. جانشینی دولت‌ها در قبال بخشی از سرزمین ۲۷۶
 ۲. آثار جانشینی در قبال دولت‌های تازه استقلال یافته ۲۷۸
- جمع بندی ۲۸۲
- گفتار دوم: آثار جانشینی بر اموال، اسناد، دیون و مطالبات ۲۸۴
- بند اول: جانشینی در گونه‌های اتحاد، جدایی و فروپاشی دولت‌ها ۲۸۶
۱. آثار جانشینی در فرض اتحاد دولت‌ها ۲۸۶

۲۸۷	۲. آثار جانشینی در فرض جدایی و تجزیه دولت‌ها
۲۹۵	بند دوم: آثار جانشینی در فرض انتقال بخشی از سرزمین
۲۹۶	بند سوم: آثار جانشینی در فرض دولت تازه استقلال یافته
۲۹۹	بند چهارم: آثار جانشینی و کشورهای اشغال شده
۳۰۰	جمع بندی
۳۰۱	گفتار سوم: آثار جانشینی دولت‌ها بر تابعیت
۳۰۵	بند اول: انتقال بخشی از سرزمین
۳۰۶	بند دوم: اتحاد کشورها
۳۰۸	بند سوم: فروپاشی یک دولت
۳۱۵	بند چهارم: جدایی یک بخش یا بخش‌هایی از سرزمین یک دولت
۳۲۲	جمع بندی
۳۲۳	گفتار چهارم: آثار جانشینی بر مسئولیت بین‌المللی
۳۲۴	بند اول: نظریات عام در خصوص آثار جانشینی بر مسئولیت بین‌المللی
۳۲۵	۱. زوال یا تداوم مسئولیت در نتیجه‌ی جانشینی دولت‌ها
۳۲۵	۱-۱. زوال مسئولیت در نتیجه‌ی جانشینی دولت‌ها
۳۲۸	۱-۲. انتقال مسئولیت در نتیجه‌ی جانشینی دولت‌ها
۳۳۴	بند دوم: انتقال مسئولیت بابت اقدامات متخلفانه‌ی پیشین
۳۳۵	۱. استناد به مسئولیت دولت پیشین
۳۳۶	۱-۱. در فرض وحدت دولت‌ها
۳۳۸	۱-۲. در فرض تجزیه دولت‌ها
۳۴۳	۱-۳. در فرض جدایی
۳۴۳	۱-۳-۱. مسئولیت دولت پیشین به جبران خسارت
۳۴۴	۱-۳-۲. مسئولیت دولت جانشین به جبران خسارت
۳۴۴	۱-۳-۲-۱. تبدیل ارکان دولت پیشین به ارکان دولت جانشین
	۱-۳-۲-۲. پیوند میان عمل متخلفانه‌ی دولت پیشین با سرزمین دولت جانشین
۳۴۵	
۳۴۵	۱-۳-۲-۳. رفتار جنبش شورشی در فرض موفقیت در تأسیس دولت جدید
۳۴۶	۱-۴. در فرض انتقال یا انضمام
۳۴۸	۱-۵. در فرض دولت‌های تازه استقلال یافته
۳۵۲	۲. استناد به مسئولیت دولت ثالث

۲۵۳	۲-۱. بقای دولت پیشین
۳۵۳	۲-۲. انحلال دولت پیشین
۳۵۴	۲-۲-۱. اتحاد دولت‌ها
۳۵۶	۲-۲-۲. فروپاشی دولت‌ها
۳۵۶	۲-۲-۲-۱. قضیه‌ی گاجیکو-ناگیماروس
۳۵۸	۲-۲-۲-۲. قضیه‌ی خسارات وارده به سفارت چکسلواکی در بغداد
۳۵۸	۲-۲-۲-۳. موافقت‌نامه‌ی تعیین مسائل جانشینی میان جمهوری‌های یوگسلاوی سابق
۳۶۰	۲-۲-۳. جدایی بخشی از سرزمین یک دولت
۳۶۲	۲-۲-۴. دول تازه استقلال یافته
۳۶۴	جمع بندی
۳۶۶	گفتار پنجم: جانشینی در سایر موضوعات
۳۶۷	بند اول: جانشینی بر نظام حقوقی داخلی
۳۶۸	بند دوم: جانشینی بر حقوق عمومی
۳۶۹	بند سوم: جانشینی بر حقوق مکتوبه
۳۷۱	بند چهارم: جانشینی بر امتیازات
۳۷۴	بند پنجم: عضویت در سازمان‌های بین‌المللی
۳۷۷	نتیجه‌گیری

منابع و مآخذ

۳۸۵	منابع فارسی
۳۹۰	منابع انگلیسی

ضمائم

۴۰۱	جدول شماره ۴: کشورهای قاره‌ی آفریقا
۴۰۵	جدول شماره ۵: کشورهای قاره آمریکا
۴۰۷	جدول شماره ۶: کشورهای قاره آسیا
۴۱۰	جدول شماره ۷: کشورهای قاره اقیانوسیه
۴۱۱	جدول شماره ۸: کشورهای واقع در اروپای شرقی
۴۱۲	جدول شماره ۹: کشورهای واقع در اروپای غربی
۴۱۵	کنوانسیون ۱۹۷۸ در مورد جانشینی دولت‌ها بر معاهدات
۴۱۷	بخش اول - مقررات عمومی

۴۲۵	بخش دوم - جانشینی در ارتباط با بخشی از سرزمین
۴۲۵	بخش سوم- کشورهای تازه استقلال یافته
۴۳۶	بخش چهارم- اتحاد و جدایی کشورها
۴۴۲	بخش پنجم- مقررات مختلف
۴۴۳	بخش ششم- حل و فصل اختلافات
۴۴۴	بخش هفتم- مقررات پایانی
۴۴۶	کنوانسیون وین ۱۹۸۳ درباره جانشینی دولت‌ها در زمینه‌ی اموال و اسناد و دیون دولتی
۴۴۷	بخش اول- مقررات عمومی
۴۴۹	بخش دوم- اموال دولتی
۴۵۴	بخش سوم- اسناد دولتی
۴۶۰	بخش چهارم- بدهی دولت
۴۶۳	بخش پنجم- حل و فصل اختلافات
۴۶۴	بخش ششم- مقررات پایانی
۴۶۶	پیوست کنوانسیون ۱۹۸۳
۴۶۸	طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد تابعیت اشخاص حقیقی در رابطه با جانشینی دولت‌ها
۴۶۹	بخش اول- مقررات کلی
۴۷۴	بخش دوم- مقررات مربوط به گونه‌های خاص جانشینی دولت‌ها
۴۷۸	پیش نویس موقت مواد راجع به جانشینی دولت‌ها در مسئولیت دولت (تا سال ۲۰۲۰)
۴۷۸	بخش اول- مقررات کلی
۴۸۱	بخش دوم- جبران خسارت زیان ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی ارتکاب یافته توسط دولت پیشین
۴۸۳	بخش سوم- جبران خسارت زیان ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی ارتکاب یافته بر ضد دولت پیشین
۴۸۷	نمایه

«دولت» مهم‌ترین تابع نظام حقوق بین‌الملل است که در خلق قواعد حقوقی - چه از طریق معاهدات و چه از طریق ساخت قواعد عرفی - نقش اساسی دارد. همچنین دولت‌ها در جامعه‌ی جهانی نقش‌آفرینی مهمی دارند. در واقع، دولت‌ها به‌عنوان کامل‌ترین تابع نظام حقوق بین‌الملل، جایگاهی مهمتر از سازمان‌های بین‌المللی دارند و حتی شخصیت حقوقی سازمان ملل متحد در این خصوص با دولت‌های ذره‌ای قابل قیاس نیست؛ زیرا در دعاوی ترافیعی نزد دیوان بین‌المللی دادگستری، تنها دولت‌ها می‌توانند به‌عنوان خواهان یا خوانده حضور یابند و سازمان‌ها تنها در نظریات مشورتی می‌توانند در پیشگاه دیوان حاضر شوند. توجه به این نکته‌ی مهم ضروری است که در ادبیات فارسی حقوق بین‌الملل و در کتاب حاضر، «دولت» معادل واژه‌ی (State) به کار رفته و به مفهوم کشور است. این واژه را نباید با «هیات وزیران» و کابینه (Cabinet) و نیز با مفهوم «حکومت» (Government) خلط کرد. در زبان انگلیسی برای هر یک از مفاهیم فوق‌الذکر، واژه‌ی اختصاصی وجود دارد مثلاً در زبان فارسی، اگر از عبارت «دولت ایران» استفاده شود، می‌توان از آن معانی مختلفی همچون کشور ایران، حکومت ایران و نیز هیات وزیران، افاده کرد. معمولاً در ادبیات سیاسی جامعه‌ی ایران، در معرفی هیات وزیران از واژه‌ی «دولت» استفاده می‌شود اما در کتاب حاضر، هر جا از واژه دولت نام برده می‌شود، به معنای کشور خواهد بود، مگر آنکه به معنای دیگر آن، تصریح شود.

بررسی واحد سیاسی دولت از این جهت واجد اهمیت است که بسیاری از مشکلات و معضلات موجود در جامعه‌ی بین‌المللی به اختلافات میان دولت‌ها مربوط می‌شود. اختلافات سرزمینی و مرزی - اعم از مرزهای خشکی و دریایی - و نیز رقابت‌های منطقه‌ای دولت‌ها و همچنین مشکلات مربوط به نقض قواعد ناشی از حاکمیت دولت‌ها در امور مربوط به مصونیت دیپلمات‌ها و مأموران دولتی و نیز اعمال تحریم‌های سیاسی و اقتصادی، مهم‌ترین مواردی هستند که منشأ نقض مقررات حقوق بین‌الملل و عامل ایجاد

تنش در روابط دولت‌ها هستند و صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید کرده یا آن را نقض می‌کنند.

هرچند امروزه کنش گران غیردولتی نیز به‌طور روزافزون در جامعه‌ی جهانی نقش‌آفرینی می‌کنند و نباید جایگاه آنان را فروکاست، اما در روابط بین‌الملل، نقش و جایگاه اصلی را دولت‌ها بر عهده دارند. بنابراین شناخت روند تأسیس دولت‌ها، علاوه بر فهم تاریخی منشأ حقوق بین‌الملل، می‌تواند علل بخشی از تعارضات و اختلافات دولت‌ها به‌ویژه در حوزه‌ی اختلافات مرزی را تبیین کند. مضاف بر آنکه برخی اصول و یا قواعد مهم حقوق بین‌الملل مانند «اصل ثبات مرزها» ریشه در تقسیم‌بندی‌های اداری سرزمین‌های مستعمره از سوی دولت‌های استعمارگر دارد؛ چنان‌که دیوان بین‌المللی دادگستری در حل و فصل اختلافات مرزی دولت‌ها از جمله اختلاف مرزی بوركینافاسو و مالی در قاره‌ی آفریقا (از مستعمرات دولت فرانسه) و اختلاف مرزی المالدور و هندوراس در آمریکای لاتین (از مستعمرات اسپانیا) از اصل مذکور استفاده کرده است. لذا شناخت روند تأسیس دولت‌ها ناشی از استعمارزدایی می‌تواند به حقوق‌دانان در حل و فصل اختلافات حقوقی میان دولت‌ها کمک نماید.

همچنین امروزه تعیین سهمیه و ترکیب ارکان مختلف و مهم سازمان ملل متحد، با توجه به تقسیم‌بندی منطقه‌ای دولت‌ها صورت می‌گیرد که تحت تأثیر ملاحظات جغرافیایی و سیاسی انجام شده است. فهم این ملاحظات سیاسی نیز بدون مطالعه‌ی تاریخی چگونگی تأسیس دولت‌ها امکان‌پذیر نیست.^۱ ملاحظات جغرافیایی نیز نقش مهمی در ایجاد آثار حقوقی برای دولت‌ها به دنبال دارد؛ مثلاً برای کشورهای محصور در خشکی، موضوع

۱. برای مثال هرچند دولت یونان در منطقه‌ی اروپای شرقی قرار دارد و علی‌القاعده باید در گروه کشورهای اروپای شرقی سازمان ملل متحد باشد اما به دلیل آنکه این دولت در دوران جنگ سرد در اردوگاه کشورهای غربی بود، کماکان در گروه دولت‌های اروپای غربی عضویت دارد.

اختلافات مرزی دریایی، سالبه به انتفاء موضوع است و طبیعتاً برای حقوق دانان آن دولت‌ها، بررسی موضوع مربوطه تنها از جنبه‌ی دغدغه‌ی آکادمیک انجام می‌شود.^۱

کتاب حاضر، به منظور رفع خلأ مربوط به مباحث مهم مزبور نوشته شده است. این کتاب، حاصل چند سال تدریس درس «تأسیس و جانشینی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل» است که به‌عنوان یکی از دروس اختیاری مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی حقوق بین‌الملل، مسئولیت تدریس آن را در گروه حقوق دانشگاه بوعلی‌سینا بر عهده داشتم.

در بخش اول کتاب، موضوع تأسیس دولت‌ها در ادوار مختلف تاریخی بررسی شده است. همچنین تقسیم‌بندی منطقه‌ای دولت‌ها در سازمان ملل متحد که تحت تأثیر ملاحظات سیاسی، تفاوت‌هایی با تقسیم‌بندی جغرافیایی دولت‌ها دارد، معرفی خواهد شد. در این بخش، روند تأسیس دولت‌های واقع در آن مناطق را توضیح می‌دهیم. همچنین در قسمت ضمیمه‌ی کتاب، جداولی حاوی نام دولت، سال استقلال، سال عضویت در سازمان ملل متحد و تغییرات صورت گرفته در نام آن دولت‌ها در طول تاریخ را برای اطلاع کامل خوانندگان قرار داده‌ایم.

در کنار دولت‌های شناسایی شده و عضو سازمان ملل متحد، برخی دولت‌های خودخوانده نیز به‌صورت دفاکتو در جامعه‌ی بین‌المللی وجود دارند که در بخش اول کتاب به معرفی و مطالعه‌ی این دولت‌های خودخوانده پرداخته‌ایم. بخشی از مباحث مباحث مربوط به قانونی بودن تشکیل دولت‌ها را می‌بایست در بحث‌های مربوط به حق تعیین سرنوشت جست‌وجو کرد که نویسنده در کتابی مجزا به آن موضوع پرداخته است اما

۱. از مجموع ۲۰۳ دولت کنونی در جهان، ۴۴ دولت، در خشکی، محصور هستند. از میان این دولت‌ها، ۱۴ دولت در قاره‌ی اروپا قرار دارند. در قاره‌ی آمریکا تنها دو کشور آن‌هم در آمریکای جنوبی (بولیوی و پاراگوئه) محصور در خشکی‌اند. باقی دولت‌های محصور در خشکی در قاره‌های آفریقا و آسیا قرار دارند. لازم به ذکر است که قزاقستان بزرگ‌ترین کشور محصور در خشکی در جهان است که در آسیای مرکزی قرار دارد. لیختن‌اشتاین و ازبکستان دو کشوری هستند که به‌صورت مضاعف، محصور در خشکی هستند؛ یعنی در حصار دولی قرار دارند که آن‌ها نیز محصور در خشکی‌اند.

در کتاب حاضر نیز، علاوه بر معرفی روند تاریخی تشکیل دولت‌ها اعم از دولت‌های عضو سازمان ملل متحد و دولت‌های خودخوانده، معیارهای مربوطه به شناسایی دولت‌ها را نیز مطالعه کرده‌ایم.

علی‌رغم آنکه در دوران استعمارزدایی، بیش از نود سرزمین به استقلال دست یافتند اما هنوز برخی سرزمین‌ها هستند که به دلایلی قادر و یا مایل به اعمال حق تعیین سرنوشت خود نبوده‌اند. سرزمین‌های حاضر در فهرست سازمان ملل متحد که هفده مورد است را در فصل چهارم از بخش اول کتاب معرفی کرده‌ایم.

برخی کشورهای بزرگ مانند بریتانیا، فرانسه، ایالات متحده آمریکا و همچنین کشورهای دیگری همچون هلند، دانمارک و نیوزیلند دارای سرزمین‌های ماورای بحاری هستند که در فهرست سرزمین‌های غیر خودمختار ملل متحد قرار ندارند و از حق استقلال برخوردار نیستند. دولت‌های فوق‌الذکر بر این سرزمین‌ها به مانند سرزمین اصلی و مادر، دارای حاکمیت هستند. منشأ این حاکمیت به دلایل تاریخی اعمال سلطه و تسلط آن‌ها بر این سرزمین‌ها و عمدتاً به جهت استعمار می‌باشد؛ اما ساکنان این سرزمین‌ها به شیوه‌های غیررسمی و یا از طریق رفتارندوم به الحاق به دولت‌های مذکور رضایت داده‌اند که در بخش اول کتاب به معرفی آن‌ها نیز خواهیم پرداخت.

موضوع مهم دیگر، مسئله‌ی جانشینی دولت‌هاست. خاتمه‌ی فرایند استعمارزدایی در دهه‌ی ۱۹۸۰ بسیاری از علمای حقوق بین‌الملل را به این نتیجه رساند که موضوع جانشینی دولت‌ها اهمیت خود را از دست داده است؛ چه این تصور پدیدار شد که گویا قرار نیست دولت دیگری به جرگه‌ی دولت‌ها اضافه شود. اما فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و یوگسلاوی در ابتدای دهه‌ی ۱۹۹۰ که ناشی از موج جدید ملی‌گرایی بود، بر این نظریه، خط بطلان کشید. به تدریج در برخی مناطق دیگر جهان نیز شاهد تلاش برخی گروه‌ها برای جدا شدن از دولت‌های فعلی و تشکیل دولت‌های جدید بودیم و موضوع تأسیس

دولت‌ها و آثار آن در موضوع جانشینی دولت‌ها، در حوزه‌های مختلف مانند معاهدات، اموال و دیون، تابعیت و مسئولیت بین‌المللی، بار دیگر اهمیت یافت.

در بخش دوم کتاب به موضوع جانشینی دولت‌ها در حوزه‌های فوق‌الذکر پرداخته و قواعد معاهداتی و عرفی مربوطه در مباحث مذکور را بررسی کرده‌ایم.

نگارنده بر خود فرض می‌داند از ارشادات و راهنمایی‌های استاد گرانقدر، جناب آقای دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، کمال تشکر و قدردانی خود را بابت مطالعه‌ی کامل اثر و ارائه‌ی رهنمودهای لازم، اعلام دارد. ارزیابی شایسته‌ی اثر توسط استاد بدون تردید در اصلاح نقائص کار بسیار کارگر افتاد و البته مسئولیت هرگونه کاستی باقی مانده متوجه نگارنده است.

نویسنده از تمامی اساتید و همکاران عزیز خودم در دانشگاه‌های کشور و نیز پژوهشگران و علاقمندان به حقوق بین‌الملل تقاضا دارد تا او را از نکته‌نظرات پیشنهادی خود جهت اصلاح کتاب در جایی‌های آتی، محروم نسازند و نقایص کتاب را به من یادآور شوند که پیشاپیش قدردانی خود را بابت بذل توجه و وقت شما سروران گرانقدر، اعلام می‌دارم.

نگارنده بر خود فرض می‌داند از ارشادات و راهنمایی‌های استاد گرانقدر خود جناب آقای دکتر جلال کمالی تشکر و قدردانی خود را بابت مطالعه‌ی کامل اثر و ارائه‌ی رهنمودهای لازم ابراز دارد که بدون تردید در اصلاح نقائصی کار بسیار کارگرانند و البته مسئولیت هرگونه کاستی باقی مانده متوجه نگارنده است.

ستار عزیزی

هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا